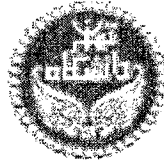




۱۲۸۱۹



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

رساله برای دریافت درجه دکتری در رشته علوم سیاسی

موضوع:

بررسی علل جامعه شناختی ناکامی جنبش دوم خرداد (۱۳۸۴-۱۳۷۶)

استاد راهنما:

دکتر صادق زیباکلام

اساتید مشاور:

دکتر هادی سمتی

دکتر محسن خلیجی

نگارش:

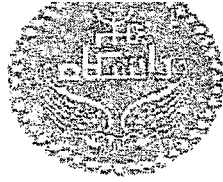
۱۳۸۸ / ۱۰ / ۷

سیدامیر نیاکوئی

کتابخانه و اطلاعیه مرکز علمی ایران
تهران

پاییز ۸۸

۱۲۸۱۱۶



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گروه آموزشی علوم سیاسی

گواهی دفاع از رساله دکتری

هیات داوران رساله دکتری : آقای سید امیر نیاکوئی

گرایش : مسائل ایران

در رشته : علوم سیاسی

با عنوان : بررسی علل جامعه شناختی ناکامی جنبش دوم خرداد

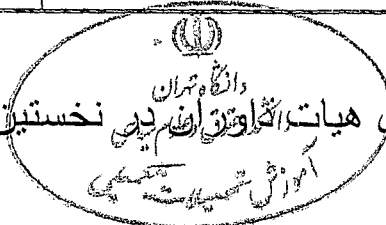
دوره ۱۸

ارزیابی نمود .

را در تاریخ : ۱۳۸۸/۹/۲ با درجه **بسیار خوب**

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد)	دکتر صادق زیباکلام	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر هادی سمتی	استادیار	"	
۳	استاد مشاور دوم (حسب مورد)	دکتر محسن خلیجی اسکویی	استادیار	"	
۴	استاد بدعو خارجی	دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی	استاد	دانشگاه شهید بهشتی	
۵	استاد مدعو خارجی	دکتر علیرضا ازغندی	استاد	دانشگاه شهید بهشتی	
۶	استاد مدعو داخلی	دکتر الهه کولایی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۷	استاد مدعو داخلی	دکتر سیدرحیم ابوالحسنی	استادیار	"	
۵	معاون یا نماینده معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده	دکتر سیدرحیم ابوالحسنی	استادیار	"	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران این رساله در صفحه نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد



چکیده:

هر پژوهشی معمولاً با پرسشی بنیادین آغاز می‌شود که در طی پژوهش تلاش می‌گردد تا پاسخ آن نمایان گردد. سوالی که نویسنده در این رساله به دنبال پاسخ آن بوده، چرایی ناکامی جنبش دوم خرداد است. در این راستا نویسنده با بهره‌گیری از نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی به ویژه نظریه مدل فرآیند سیاسی و با توجه به عواملی چون فرصت سیاسی، سازماندهی و تشکیلات، چهارچوب گذاری و در نهایت منابع عمل جمعی، به بررسی چرایی ناکامی جنبش دوم خرداد می‌پردازد. بر پایه فرضیه پژوهش، ناکارآمدی نخبگان اصلاح‌طلب در پیشبرد جنبش با توجه به ویژگی‌های ساختار سیاسی، از یک سو باعث ریزش نیروهای اجتماعی و در نتیجه افول جنبش دوم خرداد و از طرف دیگر تقویت گفتارهای رقیب و افول گفتار اصلاح‌طلبی دینی گردید. بر این اساس رساله، با ترسیم چگونگی ریزش نیروهای اجتماعی به افول گفتار اصلاح‌طلبی دینی از یک سو و برجستگی یافتن گفتار آبادگری و تحریم در میان نیروهای اجتماعی از سوی دیگر می‌پردازد.

واژگان کلیدی: جنبش دوم خرداد/ نیروهای اجتماعی/ نخبگان سیاسی/ ساختار سیاسی/ فرصت

سیاسی/چارچوب گذاری/ منابع عمل جمعی/ سازماندهی/ گفتار آبادگری/ گفتار تحریم

پیشگفتار

هر پژوهشی معمولاً با پرسشی بنیادین آغاز می‌شود که در طی پژوهش تلاش می‌گردد تا پاسخ آن آشکار گردد. سوالی که نویسنده در این رساله به دنبال پاسخ آن بوده، چرایی ناکامی جنبش دوم خرداد است. نگاهی اجمالی به تاریخ سیاسی ایران در عصر اصلاحات (۱۳۸۴-۱۳۷۶) حاکی از آن است که جنبش موسوم به اصلاحات تا بهار ۷۹ با سرعت به پیش می‌رود؛ در دست‌گیری اکثریت مجلس ششم، شوراهای شهروروستا و فضای مطبوعاتی و سیاسی کشور در سالهای ابتدایی اصلاحات همگی جلوه‌هایی از حرکت به پیش این جنبش محسوب می‌شود ولی از بهار ۷۹ به بعد سیر قهقرایی جنبش اصلاحات آغاز می‌شود و در نهایت با انتخابات ۳ تیر ۸۴ فصل دیگری در تاریخ سیاسی ایران آغاز می‌گردد. سوالی که نویسنده در پی پاسخ آن بوده چرایی سیر قهقرایی جنبش اصلاحات از ۱۳۷۹ به بعد است. در این راستا نویسنده با بهره‌گیری از نظریه‌های جنبشهای اجتماعی به ویژه نظریه مدل فرآیند سیاسی و با توجه به عواملی چون فرصت سیاسی، سازماندهی و تشکیلات، چارچوب‌گذاری و در نهایت منابع عمل جمعی، به بررسی چرایی سیر قهقرایی جنبش اصلاحات می‌پردازد. این رساله در ادامه با نمایاندن ریزش نیروهای اجتماعی به افول گفتار اصلاح طلبی دینی از یک سو و برجستگی یافتن گفتارهای آبادگری و تحریم در میان نیروهای اجتماعی از سوی دیگر می‌پردازد.

با تشکر از تمام اساتید گرانقدر و بزرگواری که در

طول دوران تحصیل از محضرشان بهره بردم.

فهرست

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول : کلیات.....
۲.....	۱- بیان مساله.....
۴.....	۲- هدف پژوهش.....
۴.....	۳- اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۶.....	۴- نتیجه و کاربرد پژوهش.....
۶.....	۵- سوابق یا پیشینه تحقیق.....
۹.....	۶- مفروضات.....
۹.....	۷- پرسش تحقیق.....
۹.....	۸- فرضیه تحقیق.....
۱۰.....	۹- تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق.....
۱۲.....	۱۰- روش تحقیق.....
۱۳.....	۱۱- مشکلات و تنگناهای تحقیق.....
۱۳.....	۱۲- سازماندهی رساله.....
۱۵.....	فصل دوم: چارچوب نظری برای تبیین جنبش دوم خرداد.....

- ۱- جنبش اجتماعی ۱۷
- ۲- جنبشهای متعارف و جدید ۲۵
- ۳- نظریه های جنبش های اجتماعی ۲۹
- ۳-۱- نظریه های کلاسیک جنبشهای اجتماعی ۲۹
- ۳-۱-۱- مارکس ۲۹
- ۳-۱-۲- دورکهایم ۳۰
- ۳-۱-۳- لوبون ۳۰
- ۳-۱-۴- پاره تو ۳۱
- ۳-۱-۵- وبر ۳۲
- ۳-۲- نظریه های جامعه توده ای ۳۳
- ۳-۲-۱- هانا آرننت ۳۴
- ۳-۲-۲- کورن هاووزر ۳۵
- ۳-۳- نظریه های روان شناختی ۳۷
- ۳-۴- نظریه های متاخر ۴۰
- ۳-۴-۱- ترنروکیلیان (رفتار جمعی) ۴۰
- ۳-۴-۲- زالد ومک کارتی (بسیج منابع) ۴۳

- ۳-۴-۳- چارلز تیلی (بسیج منابع و فرآیند سیاسی)..... ۴۶
- ۳-۴-۴- مک آدام (مدل فرآیند سیاسی)..... ۴۹
- ۳-۴-۵- تورن و ملوچی (جنبش جدید اجتماعی)..... ۵۵
- ۴- پدیده دوم خرداد به مثابه یک جنبش اجتماعی..... ۵۹
- ۵- چارچوب نظری برای تحلیل جنبش دوم خرداد..... ۷۲
- نتیجه گیری..... ۷۶
- فصل سوم: زمینه های شکل گیری جنبش دوم خرداد..... ۷۹
- گفتار اول: نیروهای اجتماعی و پیدایش جنبش دوم خرداد..... ۸۱
- ۱- تحولات عمده ساختاری - اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی: شکل گیری و مرجعیت
- اجتماعی یک طبقه متوسط جدید ناراضی و قدرتمند در آستانه خرداد ۷۶..... ۸۱
- ۱-۱- طبقه متوسط جدید و نقش آن در سیاست..... ۸۲
- ۲-۱- طبقه متوسط جدید در ایران از پیدایش تا انقلاب اسلامی..... ۸۸
- ۳-۱- تحولات کلان ساختاری اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی..... ۹۴
- ۳-۱-۱- افزایش شهرنشینی در ایران..... ۹۶
- ۳-۱-۲- تحول جمعیتی در ایران..... ۹۸
- ۳-۱-۳- افزایش باسوادی و تحصیل کردگان در ایران..... ۱۰۱

- ۳-۱-۴- افزایش وسایل ارتباط جمعی و مطبوعات در ایران ۱۰۴
- ۳-۱-۵- تغییر در نظام ارزشی جامعه در سالهای منتهی به دوم خرداد ۱۰۸
- ۴-۱- چالشهای سیاسی و فرهنگی و اقتصادی: زمینه‌های نارضایتی طبقه متوسط جدید ۱۱۰
- ۲- شکافهای اجتماعی و جامعه‌شناسی مخالفان جنبش دوم خرداد ۱۱۷
- گفتار دوم: نخبگان سیاسی و پیدایش جنبش دوم خرداد ۱۲۱
- ۱- اصلاح طلبان و پیدایش جنبش دوم خرداد ۱۲۱
- ۲- محافظه‌کاران و پیدایش جنبش دوم خرداد ۱۳۲
- گفتار سوم: ساختار سیاسی و پیدایی جنبش دوم خرداد ۱۳۷
- ۱- ساختار حقوقی ج.ا.ا. و چگونگی توزیع قدرت ۱۳۷
- ۲- ماهیت دولت جمهوری اسلامی ایران ۱۴۴
- نتیجه‌گیری ۱۶۱
- فصل چهارم: زمینه‌های شکوفایی و افول جنبش اصلاحات ۱۶۴
- ۱- روایتی تاریخی از دوران اصلاحات ۱۶۵
- ۲- تحلیل تئوریک دوران شکوفایی اصلاحات (۷۶-۷۹) ۱۷۸
- ۲-۱- فرصت سیاسی ۱۷۹
- ۲-۲- تشکیلات و سازماندهی ۱۸۵

- ۱۸۶..... ۲-۳- چارچوب گذاری
- ۱۸۸..... ۲-۴- منابع عمل جمعی
- ۱۹۲..... - نتیجه گیری
- ۱۹۵..... ۳- تحلیل تئوریک دوران افول اصلاحات (۷۹-۸۴)
- ۱۹۶..... ۳-۱- فرصت سیاسی
- ۲۰۲..... ۳-۲- تشکیلات و سازماندهی
- ۲۰۹..... ۳-۳- چارچوب گذاری
- ۲۱۵..... ۳-۴- منابع عمل جمعی
- ۲۳۴..... - نتیجه گیری
- ۲۳۷..... فصل پنجم: گفتارهای رقیب و افول اصلاحات
- ۲۳۸..... ۱- گفتار تحریم و افول اصلاحات
- جدایی بخشهایی از بدنه جنبش دوم خرداد از اصلاحات و برجستگی یافتن گفتاری
- ۲۴۲..... پسارفرمستی در میان آنها
- ۱-۱- افول سطح مشارکت سیاسی و کاهش حمایت از اصلاح طلبان دوم خردادی در
- ۲۴۴..... انتخابات های پس از ۱۳۸۰
- ۲۴۴..... ۱-۱-۱- انتخابات دومین دوره شوراهای شهر و روستا

- ۲۴۷..... ۱-۱-۲- تحصن نمایندگان مجلس ششم و انتخابات مجلس هفتم
- ۲۴۹..... ۱-۱-۳- انتخابات ریاست جمهوری نهم
- ۲۵۲..... ۱-۲- بیانیه ها و اعلام مواضع بخشهایی از بدنه جنبش شامل دانشجویان و روشنفکران
- ۲۵۲..... ۱-۲-۱- دفتر تحکیم وحدت
- ۲۵۵..... ۱-۲-۲- جمعی از روزنامه نگاران و روشنفکران
- ۲۵۸..... ۲- گفتار آبادگری و افول اصلاحات
- ۲۶۳..... نتیجه گیری
- ۲۶۵..... فصل ششم: نتیجه گیری
- ۲۷۴..... کتابنامه

فهرست جداول و نمودارها

عنوان	صفحه
نمودار ۱-۲- منحنی [.....]	۳۸
نمودار ۲-۲- نمودار تحلیلی برای ادراک تحول جنبش دوم خرداد.....	۷۵
جدول ۱-۳- مقایسه جمعیت شهرنشین و روستانشین در ایران طی سالهای ۷۵-۴۵.....	۹۷
جدول ۲-۳- نمایه مقایسه ای رشد جمعیت باسواد در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵.....	۱۰۱
جدول ۳-۳- مقایسه شاخصهای فرهنگی براساس مرکز آموزشی - فرهنگی.....	۱۰۲
نمودار ۳-۴- نمایه رشد دانشجویان (۱۳۷۵-۱۳۵۵) در مراکز تحت پوشش دولتی.....	۱۰۲
نمودار ۳-۵- نمایه رشد کادر آموزشی در دانشگاهها.....	۱۰۳
نمودار ۳-۶- نمایه تعداد مراکز آموزشی و تحقیقاتی.....	۱۰۳
جدول ۳-۷- جدول وضعیت مطبوعات از ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵.....	۱۰۵
شکل ۳-۸- مفصل بندی گفتمان اصلاح طلب.....	۱۳۲
شکل ۳-۹- مفصل بندی گفتمان محافظه کار.....	۱۳۴
شکل ۳-۱۰- مکانیزم قدرت در جمهوری اسلامی.....	۱۴۱
جدول ۵-۱- درصد مشارکت سیاسی مردم در انتخابات ریاست جمهوری پس از دوم خرداد...۲۴۹	

فصل اول

کلیات

۱- بیان مسأله: پدیده موسوم به جنبش دوم خرداد را می توان عمدتاً محصول تحولات زیر در نظر

گرفت

۱) تحولات عمیق اجتماعی و معرفتی در ایران مانند گسترش شهرنشینی، آموزش عالی، وسایل ارتباط جمعی، جهانی شدن؛ این تحولات زمینه‌های قدرت یافتن طبقه اجتماعی نیرومندی که حامل اندیشه‌هایی چون آزادی و دموکراسی است را ایجاد نمود و زمینه‌های تفوق گفتمانی در جامعه را فراهم آورد که در آن، دموکراسی، آزادی، توسعه سیاسی و ... جایگاه ویژه ای داشت.

۲) ناکارآمدی جریانات محافظه‌کار در تطابق با تحولات فوق و آسیب دیدن طبقه متوسط در طی سالیان منتهی به دوم خرداد.

۳) کنار نهاده شدن نیروهای موسوم به چپ اسلامی (خط امامی) و تحول تدریجی ایدئولوژیک در میان اکثریت این نیروها و تمایل آنها به مفاهیمی چون آزادی، قانون؛ البته ائتلاف این نیروها با کارگزاران سازندگی را نیز باید مورد نظر قرار داد.

مجموعه عوامل فوق در دوم خرداد ۱۳۷۶ و پس از آن در کنار ویژگی های ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، زمینه بسیج طبقات اجتماعی متوسط توسط جریانات موسوم به چپ اسلامی را فراهم آورد و بعد از انتخابات دوم خرداد شاهد حضور گسترده طبقات متوسط در صحنه سیاسی ایران می‌باشیم.

هنگامی که به روند سیاسی ایران بعد از خرداد ۱۳۷۶ نظری می‌افکنیم، درمی‌یابیم که در سالهای ۱۳۷۶-۱۳۷۹ (تا شکل‌گیری مجلس ششم و طرح مطبوعات)، جنبش دوم خرداد موفقیت‌های زیادی را بدست آورد؛ پیروزی درانتخابات شوراها، پیروزی قاطع در انتخابات مجلس ششم، گسترش فضای

باز سیاسی، شکل‌گیری دهها روزنامه و مجله منتقد، گسترش گردهمایی‌ها و تشکل‌ها و ... همه و همه نمادی از حرکت به پیش جنبش دوم خرداد، علی‌رغم تمام موانع، برای توسعه آزادی و مردمسالاری در ایران است. در این مرحله نیروهای اجتماعی موجد دوم خرداد به شدت از نخبگان جنبش حمایت کرده و موجبات پیروزی شگرف آنها را در انتخابات‌های گوناگون فراهم آوردند. گفتمان غالب چه در بدنه جنبش و چه در نخبگان آن، استفاده از ظرفیت‌های نظام سیاسی و در دست‌گیری نهادهای انتخابی برای دسترسی به مطالبات سیاسی و اجتماعی بود.

با این حال پس از شکل‌گیری مجلس ششم (اوایل ۱۳۷۹) و نقطه عطف «لایحه مطبوعات» علی‌رغم این‌که نخبگان اصلاح‌طلب تمامی نهادهای انتخابی را در دست گرفته، علی‌رغم حمایت کامل بدنه جنبش «دانشجویان، روشنفکران و ...» و سپردن تمام مناصب انتخابی به آنها، علی‌رغم فضای نسبتاً مساعد بین‌المللی برای گفتمان اصلاحات، به مرور فصل دیگری در تاریخ جنبش دوم خرداد آغاز می‌شود؛ مشخصه‌های این فصل جدید که از اوایل ۱۳۷۹ آغاز می‌گردد و تا پایان ۱۳۸۴ ادامه دارد عبارت است از بن‌بست اصلاحات، ناکارآمدی نهادهای انتخابی به ویژه مجلس، توقیف مطبوعات موسوم به اصلاح‌طلب و ناتوانی اصلاح‌طلبان در انجام اقدام مقتضی، محدود شدن تجمعات، برخوردهای شدیدتر با نیروهای بدنه جنبش از جمله دانشجویان و روشنفکران، برکناری چهره‌های اثرگذار کابینه و ...

در واقع پس از سال ۱۳۷۹ (لایحه مطبوعات) حرکت دوم خرداد رو به افول می‌گذارد و روز به روز از دامنه و شوق آن کاسته می‌شود تا جایی که در نهایت از دل دوران اصلاحات واقعه ۳ تیر روی می‌دهد. سؤالی که نویسنده به دنبال پاسخ آن می‌باشد دقیقاً در همین جا نهفته است. چرا جنبش دوم

خرداد پس از به دست گیری تمامی نهادهای انتخابی و در شرایطی که حمایت شدید بدنه اجتماعی خود را به همراه داشت «طبقه‌ای بسیار قدرتمند متشکل از دانشجویان، جوانان، روشنفکران، زنان و ...» در میان ناباوری بدنه جنبش روبه افول نهاد؟ از طرف دیگر این افول یا رکود حرکت دوم خرداد از نظر ذهنی چه تاثیری داشت و منجر به تقویت چه گفتارهایی در جامعه گردید؟

نویسنده در این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ برای هر دو سؤال فوق می‌باشد.

۲- هدف پژوهش:

از آن رو که محقق علوم اجتماعی دغدغه شناخت حقیقت را دارد، دغدغه نویسنده نیز شناخت عوامل و متغیرهایی است که منجر به ناکامی و افول جنبش دوم خرداد گشت آن هم در شرایطی که این جنبش

۱) حمایت قشر عظیمی از نیروها و لایه‌های طبقه متوسط را به همراه داشت و برخلاف تحلیل‌هایی که بعضاً درباره انقلاب مشروط ارائه می‌شود، نمی‌توان ضعف طبقات پشتیبانی و حامل جنبش را عامل شکست آن دانست.

۲) موفق به دست گیری تمامی نهادهای انتخابی شده لذا اکثراً انتظار داشتند که این جنبش پس از به دست گیری تمامی نهادهای انتخابی با سرعت بیشتری دسترسی به اهداف خود را دنبال کند.

۳. اهمیت و ضرورت پژوهش:

در رابطه با اهمیت و ضرورت پژوهش به چند نکته باید اشاره کرد.

اولاً در رابطه با شکست جنبش دوم خرداد ابهام‌های زیادی وجود دارد و برخلاف جنبش‌هایی

چون مشروطه، ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی که صدها پایان‌نامه و کتاب در ارتباط با آن نگاشته شده است، درباره این جنبش فقر منابع به ویژه منابع و آثار آکادمیک و تئوریک وجود دارد لذا ضرورت پژوهش پرتوافکندن بر ابهام‌های زیادی است که وجود دارد.

ثانیاً) از آنجا که تحولات عمیق اجتماعی و معرفتی در طی سالیان گذشته به وقوع پیوسته و طبقات اجتماعی قدرتمندی که حامل گفتمان‌هایی چون آزادی و دموکراسی می‌باشند شکل گرفته‌اند و از سوی دیگر حرکت دوم خرداد بنا به موانعی که در این طرح بررسی خواهد شد، نتوانست مطالبات سیاسی و اجتماعی بدنه جنبش را برآورده کند لذا بدون تردید در آینده جنبش‌های اجتماعی مشابه دیگری شکل خواهد گرفت و طبقات متوسط و لایه‌های بدنه جنبش (به ویژه دانشجویان/ تحصیل‌کردگان/ روشنفکران و جوانان) که در سالهای پس از اصلاحات تا حدودی به حاشیه رفته‌اند مجدداً وارد عرصه می‌شوند لذا اهمیت و ضرورت این تحقیق بیش از پیش نمایان می‌شود زیرا به عوامل، موانع و متغیرهایی که موجب افول این تجربه شد می‌پردازد.

از طرف دیگر این پژوهش به گفتارهای رقیب که با ناکامی دوم خرداد گسترش یافتند و فرآیند شکل‌گیری آنها نیز می‌پردازد (این گفتارها در صفحات بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرند) لذا با توجه به اینکه این گفتارها در حال حاضر نیز تاثیرگذارند و در شرایطی امکان‌پذیری آنها نیز وجود دارد، اهمیت تحقیق بیش از پیش هویدا می‌گردد، با توجه به تحولات و گفتارهای فوق این رساله جنبه آسیب‌شناسی برای نظام جمهوری اسلامی ایران دارد؛ زیرا که برخی از تحولات و گفتارها را که می‌تواند چالش‌آفرین باشد مورد بررسی قرار می‌دهد

۴. نتیجه و کاربرد پژوهش

همان‌طور که در اهمیت و ضرورت پژوهش بیان کردیم، این تحقیق نمایانگر موانع و عواملی است که روی هم رفته منجر به افول و ناکامی جنبش دوم خرداد و شکل‌گیری گفتارهای رقیب شد لذا با توجه به امکان وقوع جنبش‌های مشابه در آینده، این تحقیق، ویژگیهای احتمالی جنبش‌های آتی و چالشهای مشابهی را که با آن مواجه می‌گردند را به تصویر می‌کشد و از سوی دیگر تصویری را از برخی چالشهای بالقوه نظام جمهوری اسلامی در آینده ارائه می‌دهد. لذا برای کلیه جریان‌ها و نیروهای سیاسی حائز اهمیت می‌باشد و کاربرد دارد.

۵. سوابق یا پیشینه (ادبیات موضوع):

تاکید بر این نکته ضروری است که تنها چند صباحی بیش از ناکامی جنبش دوم خرداد نگذشته است لذا در این حوزه خلأ مطالعات بنیادین و آکادمیک وجود دارد و این تحقیق خود تحقیقی بنیادین است که می‌تواند داده‌های فراوانی را برای سایر محققان فراهم آورد. اگرچه چند صباحی بیش از ناکامی دوم خرداد نگذشته است اما درباره این جنبش و مسایل مرتبط با آن آثار چندینی به رشته تحریر درآمده است. به طور کلی ادبیات پیرامون شکست دوم خرداد را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود.

(۱) آثار ژورنالیستی: این آثار حاصل کار روزنامه‌نگاران و مباحث مطروحه در مجلات و روزنامه‌ها می‌باشد. شاید مهم‌ترین ضعف این آثار عدم غنای تئوری و ضعف نظری آنها باشد. از جمله این آثار می‌توان به کتب و مقالاتی که نویسندگانی چون محمد قوچانی، اکبر گنجی و دیگران نوشته‌اند اشاره

کرد.

۲) مجموعه مقالات و مصاحبه‌های نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران: این آثار مجموعه مقالات و یا مصاحبه‌هایی با افرادی چون سعید حجاریان، تاجیک، جلالی‌پور، قادری و دیگران است. طبیعی است که این مقالات و مصاحبه‌ها اگرچه بینش و بصیرت‌هایی در اختیار محقق قرار می‌دهد ولی جامعیت و گستردگی و پشتوانه‌ای که کتب و پایان‌نامه‌های علمی می‌بایستی داشته باشند در آنها وجود ندارد؛ ماهنامه آفتاب یکی از اصلی‌ترین مجلاتی بود که این مقالات را در بر می‌گرفت

۳) آثار علمی یا آکادمیک اعم از کتاب یا پایان‌نامه‌های دانشجویی: در این آثار (به ویژه پایان‌نامه‌های دکتری) رهیافت علمی- پژوهشی برجسته است. با این حال تعداد این آثار انگشت شمار است

از جمله آثار برجسته‌ای که به ناکامی اصلاحات می‌پردازد می‌توان به رساله دکتری عباس خلجی با عنوان "ناسازه‌های نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح‌طلبی" اشاره کرد؛ نویسنده در این اثر با رهیافتی فکری - فلسفی به نقش ناسازه‌های نظری گفتمان اصلاح‌طلبی در ناکامی سیاسی آن می‌پردازد. اثر برجسته دیگر که تاحدودی با ناکامی اصلاحات مرتبط است کتاب «قدرت، گفتمان و زبان» اثر سید علی اصغر سلطانی است؛ نویسنده در این اثر با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان به بررسی گفتمان‌های عمده در دوره جمهوری اسلامی می‌پردازد و زمینه‌های افول گفتمان اصلاحات را بررسی می‌نماید. توجه به این نکته ضروری است که در هر دو اثر فوق رویکرد فلسفی و روش تحلیل گفتمان حاکم است و هیچ‌یک از دو اثر فوق به بررسی تفصیلی نهادها، نخبگان، ساختارها و نیروهای اجتماعی نمی‌پردازند. اثر دیگری که مستقیماً به شکست اصلاحات از منظر جامعه‌شناسی